

خبر و فرهنگ



درافشانی، معاون شهردار و رئیس سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری:

آماده پذیرش و اجرای ایده های جدید در حوزه علوم قرآنی هستیم

سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری قزوین آماده پذیرش و اجرای ایده های جدید در حوزه علوم قرآنی است. به گزارش روابط عمومی سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری قزوین؛ محمد درافشانی در جریان بازدید از بیست و یکمین مرحله داورى طرح تجلیل از حافظان قرآن کریمبا بیان این مطلب، گفت: این سازمان همواره در حوزه های مختلف فرهنگی نقش حمایتی و نظارتی داشته و کار اجرایی را بدست کارشناسانی سپرده که نقاط ضعف و قوت را می شناسند.

درافشانی افزود: می توانیم با استفاده از پتانسیل و ظرفیت فضای مجازی طرح های قرآنی را اجرا کنیم تا نسل جدید انس بیشتری با کلام وحی داشته باشند و به تبع آن آسیبها و چالشهای موجود در میان خانواده ها و جامعه کمتر شود.

حمایت از ایده های برتر فرهنگی در راستای ارتقای فرهنگ شهروندی

معاون شهردار و رئیس سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری قزوین گفت: از ایده های برتر شهروندان که در ارتقای فرهنگ شهر موثر باشد، حمایت می کنیم. به گزارش روابط عمومی سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری قزوین؛ محمد درافشانی در مراسم تقدیر سز برگزیده گان پویش شهروندی «قزوین کتاب می خواند»، بیان کرد: جشنواره ها و برنامه های تدارک دیده شده برای امسال به دلیل شیوع ویروس کرونا لغو شد؛ اما برای تشویق مردم به پیوستن در پویش «در خانه بمانیم» برگزاری جشنواره و مسابقات در فضای مجازی جایگزین برنامه های استیجی شد.

وی از نصرات برگزیده خواست تا به عنوان سفیران فرهنگی در حوزه کتاب و کتابخوانی حضور فعال داشته باشند و پیشنهادات و ایده های خود را در خصوص برگزاری پویش های فرهنگی در فضای مجازی به سازمان ارائه دهند...

درافشانی تشویق شهروندان برای حضور در خانه و مقابله با شیوع ویروس کرونا، استفاده از فراغت به وجود آمده در خانه ها بدلیل شیوع ویروس کرونا، بهره برداری مناسب از ظرفیت فضاهای مجازی برای ترویج فرهنگ کتاب خوانی و تشویق شهروندان به امر مهم مطالعه را از جمله اهداف برگزاری این پویش برشمرد.

گفتنی است، پویش شهروندی «قزوین کتاب می خواند» از ۱۵ اسفنده ۹۸ تا ۳۱ فروردین ماه سال جاری برگزار شد که در پایان به ۱۰ نفر از شرکت کنندگان در این پویش کتابخوانی به قید قرعه و به رسم یادبود لوح تقدیر و جوایزی اهدا شد.



مسابقه ایده پذیری«آرزوی من، زادگاه من.»

مسابقه ایده پذیری« آرزوی من، زادگاه من...» ویژه رده سنی کودکان و نوجوانان(۷ تا ۱۸ سال) برگزار می شود.

به گزارش روابط عمومی سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری قزوین؛ این مسابقه با هدف تقویت روحیه خودباوری، جلب مشارکت کودکان و نوجوانان در مدیریت شهری و تقویت ایده پردازی و خلاقیت میان آنها برگزار می شود.

علاقه منندان با این هدف که آرزو دارند، زادگاه و محل زندگی شان چگونه باشد تا ۱۵ مرداد فرصت دارند ایده ها و آثار خود را در بخش های نقاشی، متن ادبی، داستان کوتاه، شعر و طراحی پوستر در محورهای آسایش و آرامش، ایمنی، نشاط و شادابی، حفظ و گسترش فضای سبز و زیبایی بصری به دبیرخانه مسابقه «آرزوی من، زادگاه من» ارسال کنند.

چاپ: موسسه ایران چاپ

آدرس: قزوین، خیابان آیت اله کاشانی (باغ دیر)، کوچه آزاد، پلاک ۲، هفته نامه پیام شهر.

شماره تماس: ۳۳۳۳۱۲۴۱

وب سایت: payameshahr.qazvin.ir پست الکترونیکی: payamshahr98@gmail.com

استفاده از مطالب و عکس های نشریه با ذکر منابع آزاد است.

مپ



پای حرف های یک نوازنده خیابانی؛

از سالن بزرگ اجرا تا خیابان

● بعد چه اتفاقی افتاد؟ چه شد که همه چیز عوض شد؟ گاهی در زندگی اتفاقات ناگواری می افتد که مسیر زندگی آدم ناگهان عوض می شود. سال ۸۹ هنگامی که فرزندم سه سالش بود، متأسفانه تصادف کردم و چون مجبور به پرداخت دیه شدم و همه چیزمان را فروختم حتی سازم را...از گروهی که در آن مشغول بودم جدا شدم و بعد ساز ارزان تری خریدم تا با نوازندگی خیابانی بتوانم پول لازم را فراهم کنم.

● چطور گذر تان به قزوین افتاد؟

شهر فرهنگ



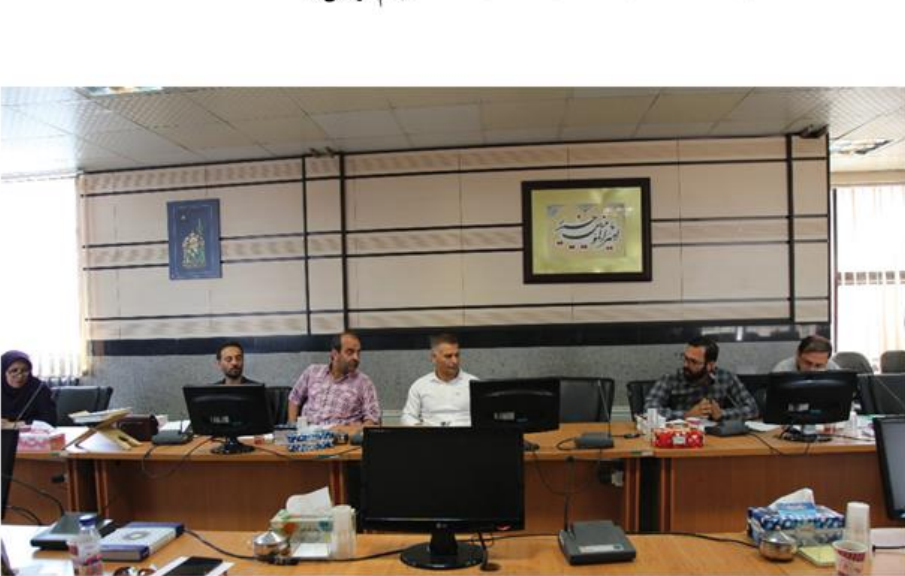
به نام خداوند جان و خرد

انجمن ادبی استان دری به خانه خورشید

ندا خوینی

شعر از شعور می آید و شاعری از شهود. مدتها بود که پراکندگی شب شعرها و نا آشنابودن شاعرانی که باید در آشنایی هم شعر بخوانند، شده بود بعضی و گلوی شهر کهنم قزوین را که عبیدها را داشت و به عارف هایش می نازید، می فشرد. باید مهری جانهای آشنا را در کنار هم به سرودن شعرى از جنس عشق وا می داشت که زیباییش در با هم سرودنش باشد.

دریایی به عمق اقیانوس می خواست که این همه رود شور و شوق پراکنده را از دشتهای دور بیاورد در کنار هم قرار دهد تا معجزه عشق شاهد خلق اثری و شاهکاری جاودانه باشد. کمر همت بستیم و راهی هفت خوانی برای آفریدن اعتماد به یکی شدن دستها شدیم و آغاز کردیم و دور هم نشستیم



هفته نامه اطلاع رسانی شهرداری قزوین

صاحب امتیاز: شهرداری قزوین

مدیرمسئول: عادلۀ مهربانی

سر دبیر: مریم جواهران

صفحه آرایی و گرافیک: محمد (مرتضی) ملاعلیا

چهارشنبه اول مرداد ماه ۱۳۹۹ | اول ذی الحجه ۱۴۴۱ | شماره ۳۵۷

خیابان خیام قزوین به دلیل تجاری بودن و رفت و آمد زیاد مردم اتکار کمی چلوتر از بقیه خیابان های شهر حرکت می کند. هرچیز جدیدی که مد می شود، مانند لباس و مدل ماشین و ... را در آن جا می توان پیدا کرد. حتی جدیدترین موزیک ها و فیلم ها را؛ اما یکی از اتفاقاتی که در سال های اخیر در این خیابان شلوغ و متنوع می توان دید موسیقی خیابانی است. گاهی در گوشه و کنار آن افرادی را می بینیم که ایستاده اند و سازی می نوازند و از این طریق درآمدی کسب می کنند.

یکی از این نوازنده ها جوانی است با نام وحید شادکام نیا که وقتی با او گفتم وگو کردم فهمیدم با بقیه نوازنده های خیابانی کمی فرق دارد.

او متولد ۱۳۶۶ در گرگان است. پدرش ساز می زد و به این ترتیب گوش او از کودکی با ساز آشنا می شود. کمی بزرگتر که می شود ساز را از پدر فرا می گیرد. با اینکه ۵ خواهر و برادر دیگرش به کارهای مختلفی مشغول می شوند، او موسیقی را ادامه می دهد و ۱۸ سالش که می شود از این طریق کسب درآمد می کند. هنگامی که ۲۱ ساله می شود، دوستی در تهران داشته که به او پیشنهاد مهاجرت به تهران را می دهد و آنقدر کاشرش را خوب بلد بوده که حضور در یک گروه حرفه ای (پژواک) به او پیشنهاد می شود و او نیز این پیشنهاد را می پذیرد.

گل اندام صفوی

هنگامی که ماجرا را می شنیدند که به خاطر یک اتفاق مجبور به پذیرش این شرایط شده ام تحت تأثیر قرار می گرفتند و جایگاه ویژه ای برابم قائل می شدند.

● چه خطراتی در ذهن ت از مردم داری؟

اینکه گاهی دورم جمع می شدند، همراه با نواختن ساز دستم می زدند و می خواندند و همین که آنها را خوشحال می کنم و روح تازه ای به محیط خیابان می دهم خوشحال بودم و احساس رضایت داشتم. موسیقی خیابانی حال و هوای تازه ای به من در خیابان خیام مشغول به نوازندگی شدم.

● برخورد و عکس العمل مردم با شما چطور بود؟

اکثرا استقبال کردند و خوششان آمد. با من با احترام رفتار می کردند و چون حرفه ای ساز می زدم و می گفتمد حیث است تو در خیابان نوازندگی کنی.

هنر شهر



کرونا و کوران هنر

کیوان حبیبی

کوبید ۱۹ از آن دسته بیماری هایی ست که شکننده بودن جهان پیرامون ما را به خوبی نشان داد. در ایسن میان اگر به هنر به عنوان یک عنصر کلی بنگریم؛ ضربه های این بیماری بر پیکره نجیف آن به خوبی مشهود است. در میان هنرها در زمان کرونا تئاتر و سینما وضعیت پیچیده تری پیدا کرده اند؛ چرا که شرط لازم برای به ثمر نشستن تلاش این هنرمندان حضور دسته جمعی تماشاچیان است که به این مقوله عشق می ورزند. حال آنکه ستاد ملی مبارزه با کرونا شدیدا مخالف اجتماعات این چنینی ست. قصد مظلوم نمایی یا سیاه جلوه دادن روزگار فعالان این عرصه نیست. تا هنگامی که راهکار علمی برای مبارزه با کووید ۱۹ یافت نشود، تعطیلی فعالیت های هنری به خصوص تئاتر و سینما که به اجتماع به عنوان مهر تأییدی بر اثر هنری خود می نگرند، دور از انتظار نیست. در تئاتر وضعیت وخیم تر به نظر می رسد؛ چون برخلاف سینما که مخاطب هنری از روی پرده به نظاره می نشیند، صحنه نمایش نیاز به موجودات زنده ای دارد که در آن بازیگران نفس به نفس تماشاگران، داستانی را به خواهند...

باران رحمت

امام صادق علیه السلام: من قبل الله منه صلاة واحدة لم یُعَذِّبه و من قبل منه حسنة لم یُعَذِّبه؛

خداوند از هر کس یک نماز و یا یک کار نیک را قبول کند، عذابش نمی کند.

کافی (۵-۱۰/اسلامیه) ج ۳، ص ۲۶۶، ۱۱۱ احتکام

سوال: شک در مورد تلفظ کلمات در غیر قرائت (حمد و سوره) مثلا در تکبیرة الاحرام چگونه است؟

در فرض مذکور اگر شک در وقوع آن دارد در صورتی که از محل نگذشته باشد، واجب است آن را به جا بیاورد و اگر از محل گذشته است به شک خود اعتنا نکند. ولی اگر شک در صحت و فساد آنچه که انجام داده صادر به شک در اصل وقوع آن، در این صورت حتی اگر هنوز در محل باشد به شک خود اعتنا نکند. البته نسبت به غیر از تکبیرة الاحرام و ارکان دیگر در صوت اخیر احتیاط به اعاده قرائت و ذکر است به نیت قربت و در رکن احتیاط به اتمام نماز و اعاده آن است. برگرفته از کتاب استفتانات مقام معظم رهبری(مدظله العالی)

خبر هنر

تفریح عمومی در عصر صفوی در قزوین

سید محمد علی گلریز قزوین شناس نقید معاصر درباره تفریح عمومی در قزوین در عصر صفوی می نویسد: «در دوران صفویه، میدان شاه یعنی همین جایی که اکنون خیابان سپه گفته می شود، محل تجمع و گردش مردم قزوین بود و در زمان شاه عباس بزرگ به سر حد کمال رسید و غالبا در آن جا از سفر ا و بزرگان پذیرایی می شد و مردم شهر از عصر تا پاسی از شب، در کنار همین میدان، سرگرم تفریح و گردش بودند. جز این میدان، نقاط دیگری هم محل تفریح عمومی بود که از آن جمله، باتوقی ها و قهوه خانه ها، خانقاه ها و زورخانه ها را باید نام برد.

باتوق محلی بود در بازار یا در مرکز محلات که از طرف یکی از بزرگان طوقی در آن جا نصب می شد و اطراف آن را تزیین می کردند، اشخاص معروف و مشخص، از دور و نزدیک با اهل محل در آن جا جمع می شدند. شعرا و مداحان به خواندن اشعار در منقبت خاتم الانبیا (ص) و ائمه طاهرین (ع) می پرداختند. همچنین داستان سرایان و شاهنامه خوانان با خواندن اشعار حماسی شاهنامه غرور مردم را تهییج می کردند و داستان سرایان با شرح و بسط دلیری های پهلوانان و داستان جنگ آوری و پیروزی آنان و توصیف مجالس رزم و بزم هشتشاهان و کشور گشایان، روح شجاعت و جوانمردی و آزادگی را در مستمعین زنده می کردند.

در محل باتوقی ها، علاوه بر خواندن مدایح و داستان سرائی و شاهنامه خوانی، غالبا بین شعرا مشاعره واقع می شد. گاهی هم دو تن از سخنوران نامسی با یکدیگر به سخنوری می پرداختند. در چنین شب ها چنان ازدحامی در محل سخنوری می شد که انتظامات را به زحمت حفظ می کردند. خانقاه ها مجمع علاقه مندان تصوف و زورخانه ها جایگاه عشاق ورزش پهلوانی بود. روی هم رفته وسایل سرگرمی و تفریح طوری برای مردم فراهم شده بود که هم به سهولت می توانستند تفریح کنند و هم روحیه آن ها تقویت می شد و صفات نیک و رفتار پسندیده در پیر و جوان تزریق می گردید»

مهدی نورمحمدی، از کتاب «تئاتر و سینما در قزوین»

واژگان

نماداند بگد ماست

طرف خطاب این مثل شخصی است که سر درشته امور از دستش بیرون آمده و حرف و اندیشه اش دیگر خریداری ندارد. همچنین در مورد کسی که از فرط ناتوانی و فلاکت روحی و استیصال، توانایی دفاع از خود و دفع مزاحمت ها را نداشته باشد، به کار می رود.

از کتاب دو بلبل روی شاخه های پسته نوشته مجید بالداران